



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۹/۱۶

آصف ایوبی

دیدگاه اشرف غنی در روابط بین الملل

استراتژی و اصول سیاست خارجی از دید رئیس‌جمهور غنی:

رئیس‌جمهور با توجه به این واقعیت که افغانستان در قلب آسیا قرار گرفته و تاریخ این سرزمین را به نقطه اصلی تقاطع میان قدرت‌ها و افکار رقیب مبدل ساخته است، معتقد است که سیاست خارجی کشور ما به شکل طبیعی با سیاست داخلی ما پیوند دارد. او با درک این نکته که افغانستان در محل تقاطع پنج حلقه روابط بین‌الملل قرار دارد اعلان کرده که هدف سیاست خارجی ما ایجاد بستر مساعد برای همکاری بین این دولت‌ها، سازمان‌ها، قدرت‌ها و شبکه‌ها است:

حلقه اول: شش کشور همسایه

حلقه دوم: جهان اسلام

حلقه سوم: امریکای شمالی، اروپا، جاپان، استرالیا و کشورهای عضو ناتو و آیساف

حلقه چهارم: آسیا

حلقه پنجم: سازمان‌های بین‌المللی انکشافی، سازمان ملل متحد، شرکت‌های چندین ملیتی، جامعه مدنی بین‌الملل و سایر سازمان‌های غیرحکومتی.

استراتژی سیاست خارجی کشور که بر مبنای تعمیق و توسعه ارتباطات و همکاری با این پنج حلقه طراحی شده و در حال تطبیق شدن است، ناشی از پیچیدگی است که زاده تاریخ می‌باشد و دستگاه سیاست خارجی ما باید آن را به گونه‌ی اصولی، اما عمل‌گرایانه رهبری و مدیریت کند. افغانستان برای برقراری همکاری، تقویت و توسعه آن، در سیاست خارجی خویش اصولی دارد. در ذیل این اصول از نگاه رئیس‌جمهوری افغانستان اشاره شده است.

1) اصل همگرایی در منطقه:

سیاست خارجی افغانستان مبتنی است بر اصل تقویت همکاری‌های منطقوی؛ به دلیل این که موقعیت جئوپولیتیک ما به مثابه معبر انصراف‌ناپذیر میان آسیای میانه و آسیای جنوبی و جنوب شرقی از یک سو و از جانب دیگر همسایگی ما با خاورمیانه مساعدترین موقعیت را برای ما فراهم آورده است.

قاره آسیا گرگاه اصلی رقابت‌ها در قرن بیست و یکم خواهد بود. منابع وسیع طبیعی در این قاره مانند نفت و گاز و آب آشامیدنی و همچنین سرمایه‌گذاری‌های بزرگ همراه با رشد سریع تکنولوژی، فرصت‌های همراه با رقابت‌های سختی را در این قاره موجب شده‌اند.

همچنین در نگرش سیاست منطقه‌یی افغانستان همگرایی منطقه‌یی به خاطر صلح یک امر الزامی است. امور روزانه‌ی زندگی و امنیت ملی‌مان از جانب شبکه‌های خشونت‌بار که هیچ مرزی را نمی‌شناسند، مورد تهدید قرار دارد. بدین لحاظ موانع و فرصت‌هایی که زندگی شهروندان ما را رقم می‌زنند به واسطه توانمندی رهبران حکومت‌ها، جامعه تجاری و جامعه مدنی در شکل یافتن فضای همکاری و هماهنگی منطقوی تعریف می‌گردد.

در بعد دیگر همگرایی عمیق یک امر شدیداً الزامی به خاطر رسیدن کشورهای منطقه به رفاه می‌باشد. از آنجایی که افغانستان از سال ۱۹۷۸ میلادی درگیر جنگ بوده است، اکنون مصمم به ایجاد یک حلقه‌ی نجیبه صلح ثبات و رفاه در منطقه است. و رئیس‌جمهور همواره اعلام کرده است که به عنوان رئیس‌جمهور افغانستان در راستای همگرایی عمیق به منظور صلح و رفاه منطقه متعهد است.

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

2) اصل عدم مداخله در امور کشورهای دیگر:

سیاست خارجی افغانستان در برابر همسایگان، کشورهای منطقه و جهان، بر اصول حسن همجواری، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و احترام به حق حاکمیت ملی استوار است. این سیاست افزون بر رویکرد منطقه‌گرایی ما به دلیل نزدیکی و تأثیرات بسیار مستقیم بر مسایل سیاسی، اقتصادی و امنیتی از اهمیت خاص ساختاری برخوردار می‌باشد. تا جایی که مربوط به افغانستان می‌شود ما خود را در راستای منافع ملی خود، ملزم به ادامه و تقویت فضای به وجود آمده‌ی کنونی می‌دانیم.

متأسفانه برعکس، برخی از کشورهای منطقه‌ی در رعایت این اصل در قبال افغانستان صادق نبوده‌اند و آن گونه که می‌باید، راه ورود تروریست از خاک‌شان به افغانستان را نگرفته‌اند. چنان که رئیس‌جمهور در یک نشست منطقه‌ی به صراحت سران این کشورها را مورد خطاب قرار داده و تأکید کرد که شمار قابل ملاحظه تروریست‌ها از کشورهای شما وارد افغانستان شده و با استفاده از خاک افغانستان به خاطر بی‌ثبات‌سازی کشورهای شما و سایر کشورهای منطقه فعالیت می‌نمایند.

این مسؤلیت‌ناپذیری زمانی مهلک‌تر می‌گردد که عناصر دولتی با فراهم نمودن منابع و پناهگاه برای عناصر غیردولتی و تمویل آنها آنان را به گونه نیابتی در رقابت‌های خود در برابر سایر دولت‌ها به کار گیرند. برای جلوگیری از این تهدید استراتژیک در منطقه، افغانستان معتقد است که اختلافات سیاسی از راه سیاسی حل گردد و نباید هیچ کشوری به امور سایر کشورها مداخله کند.

3) اصل تقویت روابط با کشورهای اسلامی:

سیاست خارجی افغانستان بر نزدیکی و تقویت پیوند بین کشورهای اسلامی با توسل به مناسبات دو و چندجانبه استوار است. پیوند تاریخی و تمدنی که با کشورهای اسلامی داریم، واقعیتی است که به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر یکی از نامتغیرهای سیاست خارجی کشور ما را ساخته است. بنابراین پیوند جدایی‌ناپذیر با تمدن اسلامی یکی از عوامل پایدار سیاست خارجی ما خواهد ماند.

در همین رابطه، رئیس‌جمهوری در اوایل حکومت اعلام کرد که افغانستان وارد یک اجماع جدید در حال ظهور با جهان اسلام می‌گردد، اجماعی که به عدم تساهل و تسامح، بنیادگرایی و جنگ «نه» می‌گوید. در پی همین منش استراتژیک بود که برای اولین بار شورای علمای جهان اسلام اعلامیه‌ای در جهت محکومیت تروریسم صادر نمود که یک نقطه مثبت در تاریخ، در راستای درک کاستی دولت‌های اکثرأ مسلمان محسوب می‌شود.

4) اصل تعامل دوستانه با قدرت‌های بزرگ:

سیاست خارجی جمهوری اسلامی افغانستان، جهت‌گیری کاهش تنش و اجتناب از تنش را در روابط دو و چند جانبه بین‌المللی دارد. حکومت تلاش دارد که افغانستان را از رویاروی‌ها و تنش‌های بین قدرت‌های جهانی و منطقوی دور نگه دارد؛ سیاست خارجی افغانستان، سیاست خارجی چندجانبه است. این سیاست از تحکیم یک نظام امنیتی جهانی مبتنی بر همکاری‌های گسترده بین‌المللی و چندجانبه حمایت می‌کند.

افغانستان توان ایجاد همکاری بین قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقوی را دارد و در این راستا نمونه‌های خوبی مانند ایجاد همکاری بین روسیه، امریکا، چین و هند در افغانستان وجود دارد. بنابراین در سیاست خارجی افغانستان تا جایی که امکان داشته باشد حفظ توازن در روابط با قدرت‌های جهانی و منطقه‌ی پیگیری می‌شود.

5) اصل پیوند سیاست خارجی با برنامه‌های اقتصادی:

به باور افغانستان ایجاد شبکه‌های اقتصادی در منطقه، کلید حل بسیاری از نابه‌سامانی‌های دیگر است و روابط حسنه کشورها با یکدیگر باعث ایجاد تأثیر شبکه‌ی می‌گردد اما زمانی که این شبکه‌ها با همدیگر وصل شوند یک تأثیر انکشافی مرکب را ایجاد می‌کند که می‌تواند مردم منطقه را از فقر به رفاه ترقی دهد. به همین دلیل استراتژی اقتصادی افغانستان وابسته به استراتژی سیاسی آن برای ایجاد روابط با همسایه‌ها و کشورهای دیگر می‌باشد.

6) اصل احترام متقابل:

افغانستان به سیاست خارجی خود به مثابه مجموعه‌ای از روابطی می‌نگرد که گستردگی و حدود آن بستگی دارد به اعتماد متقابل و احترام به حق ما به عنوان یک کشور دارای حاکمیت که تصامیم خود را مطابق منافع ملی و با در نظر داشت منافع منطقه و جهان اتخاذ می‌کند. از این روی همکاری افغانستان با کشورهای دیگر بر مبنای گفت‌وگوهای سازنده و احترام متقابل استوار است. افغانستان بر اساس اصل حقوق متقابل از کشورهای همسایه، منطقه و جهان انتظار دارد که در همکاری‌شان روابط اصولی را مراعات کنند؛ یعنی رابطه دولت با دولت. طبق تعهدات

افغانستان به همین اصل هرگز به کسی و یا هیچ گروهی اجازه نخواهد داد تا از قلمروش علیه دولت یا سازمان مشروع دیگر استفاده کند و در مقابل طبق اصل احترام به حاکمیت ملی و حقوق متقابل از دیگران نیز عین توقع را دارد.

7) اصل مشارکت در نظام بین‌الملل:

افغانستان به عنوان بخشی از خانواده جهانی و بین‌المللی به وظایف و مسؤولیت‌های جهانی خویش متعهد بوده و به اصل به وجود آوردن زمینه برای همکاری‌های بین‌المللی عمیقاً باورمند و پایبند است. طبق همین نگرش منافع ملی خود را با منافع بین‌المللی یکجای ساخته است.

رئیس‌جمهور در کنفرانس‌های بزرگ منطقوی و جهانی به صراحت اعلام کرده است که «مردم و حکومت افغانستان این تعهد و اراده را دارند که گذشته را عقب زده و قراردادهایی مبتنی بر ارزش‌ها را با همکاران بین‌المللی خویش ببندند» که نشانگر مسؤولیت‌پذیری افغانستان در حوزه جهانی می‌باشد. زیرا افغانستان طبق سیاست خارجی خود معتقد است که خطرات از یک طرف و فرصت‌ها از طرف دیگر ایجاب همکاری همه‌جانبه‌ی منطقوی و جهانی را می‌کند و دنیا با خطرات مشترکی مواجه است.

8) اصل همکاری مشترک در دفع تهدیدات و چالش‌ها:

افغانستان به اصل امنیت جمعی از طریق دفع خطرات منطقوی و جهانی بر مبنای اصل مبارزه مشترک با تهدیدهای جدی و احتمالی باور دارد؛ زیرا چالش‌هایی که جهان با آن روبه‌رو است، زنجیره‌ی، پیچیده و وابسته به همدیگر بوده که نیاز به وحدت عمل در سطح جهانی دارد. باری رئیس‌جمهور افغانستان در یکی از اجلاس‌های شانگهای وضاحت داد که «از تمامی اعضای سازمان همکاری‌های شانگهای دعوت می‌نمایم تا با ما در تعریف مشکل و به وجود آوردن یک اجماع در عرصه‌های استخباراتی، امنیتی و سیاسی و ابعاد ناشی از آن یکجا شوند» به‌خصوص در دفع چالش‌های مشترک از جمله تروریسم.

مسلم است که تهدیدها در برابر نظم جهانی به صورت کل و دولت‌ها به صورت اخص رو به افزایش می‌باشد ولی متأسفانه پاسخ در برابر این تهدیدها همواره پراکنده است. سازمان‌های تروریستی و افراطیت از این ناهماهنگی در جهت ایجاد یک سیستم منظمی که آنها را در ایجاد یک نظام افراطی و در حال تغییر قادر می‌سازد، بهره‌برداری کرده‌اند و در فرجام این که این تهدیدات مشترک، تلاش مشترک می‌طلبند.

9) اصل حمایت و حفاظت از حقوق بشر:

افغانستان در سیاست خارجی و داخلی خود متعهد به کنوانسیون‌های بین‌المللی و حاکمیت قانون بوده و از اعلامیه جهانی حقوق بشر که در قانون اساسی ما تسجیل گردیده و حکومت را مکلف به تأمین حقوق شهروندی نموده است، جدأ حمایت می‌کند؛ زیرا ارزش‌های اسلامی ما و نص قانون اساسی ما بهای ارزنده‌ای برای حقوق بشر قابل شده است. در دین مبین اسلام و در قانون اساسی ما زیاده‌ترین احترام برای بشر به حیث بشر گذاشته شده است و افغانستان در سیاست خارجی و داخلی خود از این اصل تبعیت و بر رعایت و تطبیق آن تأکید دارد.

اهداف سیاست خارجی از دید رئیس‌جمهور غنی:

تحقق خطوط اساسی سیاست خارجی که در قانون اساسی انعکاس یافته است در واقع باید منتج به اهداف و نتایج گردد که سعادت، رفاه، استقلال، اتحاد و عزت مردم افغانستان را تأمین و تضمین نماید که دولت و دستگاه دیپلماسی کشور نیز مکلف به محقق کردن این اهداف می‌باشند. مطالعه بیانات رئیس‌جمهور نشان می‌دهد که مطابق قانون اساسی، موضوعات ذیل از اهداف سیاست خارجی دولت کنونی به حساب می‌روند:

1. امنیت ملی:

جنگ‌های نیابتی، نگرش به افغانستان به عنوان عمق استراتژیک توسط برخی از قدرت‌های جهانی و کشورهای منطقه‌ی، موقعیت جنوپولیتیکی افغانستان و هجوم گروه‌ها و سازمان‌های مختلف تروریستی به کشور با نیات و مقاصد مختلف و... از جمله عواملی هستند که مسأله «امنیت ملی» کشور را به عنوان یکی از اهداف برجسته سیاست خارجی تبدیل کرده است. تأمین امنیت کشور طبق قانون اساسی از وظایف قوا و نهادهای امنیتی کشور است اما با توجه به شرایط موجود نیاز به همکاری جهانی دارد. از آنجایی که حکومت در راستای تأمین امنیت ملی اراده قاطع دارد، علاوه بر تلاش‌های فراوان برای تقویت نهادها و نیروهای دفاعی، جهت تأمین امنیت ملی، پیمان‌های استراتژیک امنیتی، اقتصادی، فنی و فرهنگی را نیز با بسیاری از کشورهای دوست و متحد به امضا رسانیده است.

2- خوداتکایی و رفاه اقتصادی:

رسیدن به رفاه اقتصادی و خودکفایی، بدون همکاری و تعامل سازنده با جهان، به خصوص کشورهای منطقه امری ناممکن است. بدین لحاظ به روشنی می‌توان دریافت که نظام سیاست خارجی کشور در تحقق این هدف نقش بارز و ارزنده‌ای دارد و حکومت می‌بایست رفاه اقتصادی و خودکفایی را به عنوان یکی از اهداف سیاست خارجی کشور در اولویت کاری‌اش قرار بدهد. به همین جهت حکومت در اوایل کارخویش طرح خوداتکایی اقتصادی و راه‌های رسیدن به یک اقتصاد پویا و همچنین مدل‌های جامع که در رشد، تقویت و توسعه اقتصادی کشور مؤثر هستند را در اجلاس مقامات ارشد کشورهای کمک‌کننده ارائه کرد.

بعد دیگر، اتخاذ دیپلوماسی فعال اقتصادی توسط حکومت در منطقه است در این راستا اهداف، طرح‌ها و تلاش‌های گسترده‌ای طی دو سال گذشته صورت گرفته که نتایج درخشانی هم در پی داشته است. در دیپلوماسی منطقه‌یی، هدف حکومت این بوده است که افغانستان از نقطه انفعال به نقطه اتصال و به یک چهارراه ترانزیتی مبدل شود. حکومت در تلاش است که افغانستان را به یک کشور صادرکننده تبدیل کند و به همین خاطر یک سیاست همگرایی اقتصادی را در منطقه تعقیب و تقویت می‌کند.

سیاست همگرایی منطقه‌یی به عنوان یک اصل اساسی در سیاست خارجی حکومت مطرح است و این اصل می‌تواند جغرافیای افغانستان را به یک جغرافیای اقتصادی - سیاسی تبدیل کند که بر اساس آن کشور ما می‌تواند نقطه‌ی وصل آسیای شرقی، آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و آسیای غربی باشد. و به سرعت به سمت رشد و شکوفایی اقتصادی حرکت نماید.

3- ارتقای جایگاه افغانستان در نظام بین‌الملل:

یکی اهداف سیاست خارجی افغانستان برگرداندن جایگاه و عزت کشور در نظام بین‌الملل است. اکنون تلاش‌های وسیعی در این حوزه صورت می‌گیرد و این امر به یکی از اولویت‌های دستگاه سیاست خارجی مبدل شده است. تعامل بر اساس اصل عزت، احترام و حقوق متقابل امری است که رئیس‌جمهوری و مسئولین سیاست خارجی کشور بر آن انگشت می‌گذارند و آن را طبق قانون اساسی کشور، از اهداف سیاست خارجی بیان کرده‌اند. افغانستان هم‌اکنون به مرحله‌ای رسیده است که به تعبیر رئیس‌جمهور، در نظام بین‌الملل «با اتفاق نظر روی ارزش‌های دموکراسی و حقوق بشر با یک دیدگاه مشترک در قبال تروریسم، احترام به قوانین بین‌المللی و حاکمیت کشورها و تعهد برای ریشه‌کن نمودن فقر و دست یافتن به اهداف انکشاف اجتماعی با هم به مثابه شرکا یکجا فعالیت و کار می‌نماید.

4- حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی کشور:

دست‌اندازی‌های وسیعی برای تجزیه کشور و مخدوش ساختن یکپارچگی آن صورت گرفته است. اکنون و متکی به توان‌های دفاعی و امنیتی در داخل تلاش‌های وسیعی در حوزه سیاست خارجی صورت می‌گیرد تا از طریق تعاملات بین‌المللی نیز جلو دست‌اندازی خارجی در کشور گرفته شود.

5- منافع ملی:

تأمین و حفاظت از منافع ملی یکی از اصول سیاست خارجی کشور است. نکته‌ای که تمام مردم افغانستان بالایش اجماع دارند این است که روابط ما با دنیا برای منافع ما اصلی و حتمی است و به همین جهت، (حکومت) برای تحکیم مناسبات بین‌المللی طی این مدت تلاش‌های وسیعی انجام داده است. افغانستان همیشه در سیاست خارجی تأکید کرده است که بدون در نظر گرفتن منافع ملی افغانستان هرگز ثبات و رفاه در منطقه تأمین نخواهد شد و حکومت افغانستان نیز به هیچ صورتی از منافع ملی خود عقب‌نشینی نخواهد کرد. بنابراین تعاملات منطقه‌یی باید بر اساس منافع مشترک انجام شود.

6- تبدیل کردن افغانستان از نقطه تقابل به میدان تعامل:

با توجه به مرارت‌های گذشته که ناشی از نوع نگرش نامناسب منطقه‌یی و جهانی به افغانستان بر ملت تحمیل شد اکنون مردم افغانستان می‌خواهند به کشورشان من‌حیث یک نقطه همکاری‌ها نگرسته شود نه محل رقابت‌ها. کشور ما برای بیشتر از یک هزار سال نقطه‌ی مرکزی برای داد و ستد تجاری، فرهنگی، تشبثات و تبادل‌های افکار با تمامی نقاط جهان بود. شهرهای ما مراکز عبور و استراحتگاه کاروان‌های تجاری آسیا به ایران و ترکیه و تا وینوس ایتالیا بود. افغانستان حتی تا اواخر سال‌های 1960 راه اکتشافی برای جوانانی بود که اروپا و آسیا را باهم وصل کرده بود. متأسفانه فعلاً در نگرش جهانی در یک وضعیت معماگونه قرار دارد. درباره افغانستان، در حال حاضر دو تصویر متضاد وجود دارد؛ یکی تصویری که در آن، افغانستان یک سرزمین پر از خطرات، چالش‌ها و مشکلات

است و تروریسم، مواد مخدر و فساد اداری، از خصوصیات برجسته این سرزمین نشان داده می‌شود. تصویر دوم – که حکومت برای تحقق آن تلاش می‌کند – این است که کشورمان چهارراه آسیا باشد، تا نقطه ارتباط شرق آسیا به غرب، و شمال آن به جنوب گردد و نقطه ارتباط آسیای مرکزی با همه آنها. در این تصویر، افغانستان کشوری غنی است با منابع و ذخایر طبیعی ارزشمند.

خطوط اصلی سیاست خارجی افغانستان در قانون اساسی:

در قانون اساسی موادی تدوین شده است که خطوط اساسی و کلی سیاست خارجی کشور را به شکل واضح تبیین ساخته است.

ماده اول: افغانستان دولت جمهوری اسلامی، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه می‌باشد.
ماده هفتم: دولت، منشور ملل متحد، معاهدات بین‌الدول، میثاق‌های بین‌المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می‌کند.
ماده هشتم: دولت سیاست خارجی کشور را بر مبنای حفظ استقلال، منافع ملی و تمامیت ارضی و عدم مداخله، حسن همجواری، احترام متقابل و تساوی حقوق تنظیم می‌نماید.
ماده بیست و هشتم: هیچ یک از اتباع افغانستان به علت اتهام به جرم، به دولت خارجی سپرده نمی‌شود، مگر بر اساس معامله بالمثل و پیمان‌های بین‌الدول که افغانستان به آن پیوسته باشد.
ماده پنجاه و هفتم: دولت حقوق و آزادی‌های اتباع خارجی را در افغانستان، طبق قانون تضمین می‌کند. این اشخاص در حدود قواعد حقوق بین‌المللی به رعایت قوانین دولت افغانستان مکلف می‌باشند.
با توجه به اصول فوق و سایر مواردی که در شکل‌دهی سیاست خارجی نقش محوری دارند در اینجا جهت رعایت اختصار ذکر نشده است – می‌توان گفت خطوط اساسی (دکترین) سیاست خارجی کشور عبارتند از:

1. تفکیک‌ناپذیری آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور
 2. خودداری از مداخله در امور کشورهای دیگر
 3. حسن همجواری با کشورهای همسایه
 4. روابط صلح‌آمیز و حسنه با کشورهای منطقه و جهان
 5. احترام به معاهدات و قراردادهای جامعه جهانی
 6. مشارکت در امور و مسایل بین‌المللی
 7. حمایت و حفاظت از حقوق بشر
- با توجه به اصول فوق، حکومت موظف است که آنها را در تدوین استراتژی سیاست خارجی کشور در نظر گرفته و برای تحقق آنها گام بردارد.

ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی افغانستان:

نهادهای ذی‌صلاح در تدوین و اجرای سیاست خارجی کشور کاملاً مشخص است و این تصمیم‌گیری عمدتاً از حوزه صلاحیت‌ها و مسئولیت‌های نهادهای ذیل می‌باشد:

1. **ریاست جمهوری**
رئیس‌جمهور به عنوان رئیس دولت عالی‌ترین مرجعی است که طبق ماده شصت و چهارم قانون اساسی، مسئولیت مراقبت از اجرای قانون اساسی و تعیین خطوط اساسی سیاست کشور (اعم از داخلی و خارجی) – البته پس از تأیید شورای ملی – از صلاحیت‌های وی می‌باشد.

طبق ماده شصت و چهارم قانون اساسی پیشنهاد وزرا از جمله وزیر امور خارجه فرستادن قطعات قوای مسلح به خارج افغانستان، با تأیید شورای ملی، تعیین سران نمایندگی‌های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی و مؤسسات بین‌المللی، قبول اعتمادنامه‌های نمایندگان سیاسی خارجی در افغانستان اعطای اعتبارنامه به غرض عقد معاهدات بین‌الدول مطابق به احکام قانون از صلاحیت‌ها و مسئولیت‌های رئیس‌جمهور در امور سیاست خارجی می‌باشد.

2. **شورای ملی**
طبق ماده هشتاد و یکم قانون اساسی شورای ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان مظهر اراده مردم است و از قاطبه ملت نمایندگی می‌کند. شورای ملی در عموم مسایل در حدود مقرر و با رعایت اصول قانون اساسی می‌تواند وضع قانون کند و همچنین تصویب تعدیل یا لغو قوانین و یا فرامین تقنینی از جمله در امور و مسایل خارجی از صلاحیت‌های این نهاد می‌باشد.

شورای ملی به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم در تنظیم سیاست خارجی دخالت می‌کند:
الف – مستقیم:

تصویب خطوط اساسی سیاست حکومت از جمله خطوط اساسی سیاست خارجی، تصدیق معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن از صلاحیت‌های شورای ملی می‌باشد.
ب- غیرمستقیم:

از طریق دادن یا ندادن اجازه اخذ یا اعطای قرضه (ماده 9 / فقر 3) و اتخاذ تصمیم در مورد استیضاح از هر یک از وزرا، از جمله وزیر امور خارجه، در مورد سیاست خارجی مطابق به حکم ماده نود و دوم قانون اساسی (م 91 / ف1) شورای ملی می‌تواند در سیاست خارجی کشور اثرگذار باشد.

2. قوه مجریه / حکومت

حکومت متشکل است از وزرا که تحت ریاست رئیس‌جمهور اجرای وظیفه می‌نمایند. طبق قانون اساسی، تعمیم احکام قانون اساسی و سایر قوانین و فیصله‌های قطعی محاکم، حفظ استقلال، دفاع از تمامیت ارضی و صیانت منافع و حیثیت افغانستان در جامعه بین‌المللی از وظایف و مسؤولیت‌های این قوه می‌باشد. همچنین حکومت برای تطبیق خطوط اساسی سیاست کشور و تنظیم وظایف خود در موافقت قوانین کشور، مقررات وضع و تصویب می‌کند که شامل تدوین و اجرای سیاست خارجی نیز می‌شود. به صورت مشخص اجرای سیاست خارجی از وظایف اساسی وزارت امور خارجه می‌باشد. البته در قانون اساسی از وزارت امور خارجه به عنوان مرجع تصمیم‌گیری سیاست خارجی ذکر نشده است. آنچه که در حوزه‌ی مسؤولیت وزارت امور خارجه قرار دارد، کنترل، نظارت، ایجاد ارتباط و تأسیس نمایندگی‌ها و همچنین تهیه و جمع‌آوری اطلاعات برای تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی می‌باشد.

دیدگاه اشرف غنی در روابط بین‌الملل:

با توجه به استیژی و اصول سیاست خارجی، اهداف سیاس خارجی و خطوط اصلی سیاست خارجی افغانستان از دیدگاه اشرف غنی می‌توان دیدگاه او را در روابط بین‌الملل چنین تعریف کرد .

- ۱ - نگاه چند بعدی به روابط بین‌الملل دارد .
- ۲ - ساختار نظام بین‌الملل را بر مبنای اقتصادی و همگاری می‌داند .
- ۳ - افغانستان با موقعیت جغرافیایی که دارد می‌تواند به عنوان چهار راه ترانزیت در منطقه و جهان به حساب آید .
- ۴ - تبدیل کردن نظام بین‌الملل از رقابت و تقابل به میدان تعامل
- ۵ - ترجیح منافع جمعی منطقه ای و جهانی به منافع ملی
- ۶ - دیپلماسی جهانی بجای رقابت برای خودکفایی اقتصادی تمام کشورها
- ۷ - ترجیح حقوق جهانی بشر بجای حقوق فردی
- ۸ - نظام بین‌الملل اقتصاد محور بجای امنیت محور
- ۹ - اصل همکاری مشترک در دفع تهدیدات و چالش‌ها
- ۱۰ - تاکید بر تعامل دوستانه عام بشری بجای رقابت های منطقه ای و جهانی
- ۱۱ - تاکید بر اتحاد جهان اسلام بر تاثیر گذاری نظام بین‌الملل
- ۱۲ - تاکید بر عدم مداخله قدرت های بزرگ در امور کشور های ضعیف

آنچه را که در باره دیدگاه اشرف در روابط بین‌الملل این جا ذکر کردم برداشت خودم از موضوعات مهم که در سیاست خارجی افغانستان از ابتدا این مقاله تا انتها بحث شده است، بیان نموده ام.